

رسالت نشرات بيرون مرزی

افغانها که در نتیجه جنگ دوامدار علیه قوای اشغال گر شوروی سابق و متعاقباً جنگهای قدرت طلبی بین تنظیم های جهادی و ظهور جریان متحجر طالب در بیرون از کشور شان سکونت دایمی اختیار کرده اند مثل سائر اقلیت های ساکن در کشور های مختلف جهان مخصوصاً غرب و ایالات متحده امریکا که زمینه ابراز نظر آزاد و تأسیس مراکز و دستگاه های نشراتی نسبت به به بعضی کشور های دیگر بیشتر میسر است، به ایجاد و تأسیس چنین مراکز دست یازیدند.

بحث ما بر علل مهاجرتها و سکونت های جبری و یا اختیاری افغانها نیست زیرا درین خصوص به حد کافی نوشته شده است.

ملیت های مختلف مخصوصاً در ایالات متحده که بنام کشور امتزاج ملیت ها خوانده میشود هر ملیتی چه هسپانوی نژاد است و چه عرب و افغان و ایرانی و یا چینی و یا هر ملیت دیگر از خود نشرات رادیویی، تلوویزیونی، روزنامه، جریده و ماهیانه دارد که نشان دهنده تشخیص هر ملیت و هویت ملی همان نژاد، قبیله و عشیره است که چه از ده سال و یا ده ها و یا صد ها سال به اینطرف درین کشور زندگی میکنند. لذا فرضیه "سر زمین انحلال ملیت ها" و یا امتزاج فرهنگها آنطوریکه در سالهای ۱۹۶۰ فکر میشد درست از آب در نیامد و امروز باز هم این ملیت ها و اقلیتها ارزشهای فرهنگی و نژادی شانرا حفظ کرده اند. هر یک از این ملیتها داشته ها و نهاد های فرهنگی، عنعنوی و مذهبی خود را انکشاف داده و برای تداوم این ارزشها وسایل مختلفی را جستجو و بکار برده اند که نشرات سمعی و بصری و مطبوع و تأسیس مراکز فرهنگی و اسلامی از آن جمله است.

این وسایل که بحیث و سیله تثبیت هویت و حفظ ارزشهای فرهنگی و معنوی مختص این چوامع گردیده است، شکی نیست که رسانه های گروهی در هر کشوری چه متعلق به مردم داخل کشورهای شان یعنی باشندگان اصلی این کشورها باشند و چه آوارگان و پناهندگانی که از "بدی حادثه" و یا دلایل دیگری به این کشورها جای گزین شده اند، خدمات زیادی نه تنها در حفظ نهاد های اجتماعی و فرهنگی خود می نمایند بلکه از وسایل و ابزار مهم انکشاف و شگوفانی نهاد های فرهنگی و معرفی کشور های اصلی شان نیز هستند.

زمینه تأسیس اینگونه رسانه ها و نهاد ها در کشور های غربی و ایالات متحده که آزادی بیان و عقیده در چوکات قانون درین کشورها تضمین گردیده و قانون بر این کشورها حاکم است نه خواستها و تمایلات اقوام و افرادی که قدرتهای سیاسی را غصب کرده اند و افغانستان یکی از این گروه کشورها بوده، سهلتر است. امروز در هر ایالت و هر کشوری که افغانها در آن متوطن شده اند نشراتی چه تصویری چه صوتی و چاپی دارند که باید به گردانندان و متصدیان این رسانه ها تبریک گفت.

اما نشریه آزاد به معنی آن نیست که به اصطلاح "هر چه میخواید دل تنگت بگو" بلکه این نشرات و رسانه ها از خود رسالت و مسئولیت های هم در قبال دارند. نشرات غیر مسئولانه نه تنها تخطی از تمام نورم ها و اصول ژورنالیزم است بلکه بی اعتنائی و بر خورد غیر مسئولانه به ارزشهای والای جامعه مربوطه و منافع ملی همان جامعه است. تا جائیکه شنیده، دیده و خوانده میشود بعضاً نشرات غیر مسئولانه و بدون در نظر داشت معیار های ژورنالیستی و حتی بعضی اوقات بدون در نظر داشت عفت قلم و کلام میباشند، الفاظ و کلمات رکیکی به چشم می رسد و به گوش میخورد که متأسفانه از آزادی های موجود سوء استفاده شده است. نمی خواهم حتی مثالی را تذکر دهم زیرا من هم مرتکب عین گناهی خواهم شد که آنها گردیده اند.

بخاطر دارم که یکی از مسئولین تخنیکی یکی از همین رسانه های گروهی میگفت "وظیفه مطبوعات بهم انداختن مردم است" که شنیدن این استدلال و سخن سخت تکلم داد و اگر این نهاد ها مسأله را به همین سادگی پندارند و بخواهند فقط مردم را به جان هم اندازند و تندور عواید و بیننده را گرم نگهدارند، چه شکوه و گلایه از آن کم سوادى که جز تفنگ و امر قوماندان خود نه چیزی دیده و نه هم حرفی حسابی شنیده است. چنین رسانه ها و نشرات بجای اینکه در خدمت مردم خود و وسیله پیوند ملت به خون خفته و التیام زخمهای جانکاه باشند، وسیله نفاق افگنی و شقاق بین اقوام مختلف افغانستان واحد و لا یتجزا شده اند.

سخن از مسئولیت و رسالت نشرات بیرون مرزی است. اگر امروز نشرات ما در خارج از افغانستان وسیله چنین اشتباهی قرار بگیرند که آله دست امیال و جاه طلبی های گروه های مختلف سیاسی باشند و طبل تعصبات نژادی، قومی، زبانی، سمتی، منطوقی، قبیلوی و مذهبی را به صدا در آورند و بر تابوت وحدت ملی میخ کوبیده بروند، این چنین رسانه ها فردا در پیشگاه تاریخ محکوم خواهند بود.

این وسایط با حفظ ارزشهای عالی ژورنالیسم که بیطرفی، آفاقی بودن مطالب، مؤثقت مطالب و جلوگیری از پخش شایعات و تبلیغات میان تھی است، وظیفه دارند به بخشی از ملت با شهامت افغانستان که هزاران کیلو متر دور تر از وطن شان قرار دارند و انتظار خبری و نظری و انکشافی را میکشند، حقایق را آنطوریکه هست برای آنها برسانند نه آنطوریکه گردانندگان میخواهند و حقایق را با تحریف های دلخواه شان و به نقل از " منابع مطلع " بدون ذکر منبع به خورد مردم بدهند و باعث تشویش بیشتر کسانی گردند که آرامش را قبلاً از دست داده اند.

درست بیاد دارم که روزی یکی از همین گردانندگان از تقویۀ اردوی ملی افغانستان انتقاد شدید میکرد و میگفت این یک اقدام بیهوده و غیر لازمی است زیرا اردوی افغانستان هیچگاه پاسدار آزادی افغانستان نبوده است، نظری که بعضی از کشور های همسایه دارند و این گرداننده آگاهانه و یا نا آگاهانه انعکاس دهنده نظر دیگران بود که نه تنها اردوی با شهامت افغانستان را مورد بی حرمتی قرار داد بلکه گامی فراتر گذاشته و در مورد ترکیب اردو نیز تبلیغات بی اساس بدون ارائه ارقام مربوط به ترکیب قومی اردوی ملی می نمود در حالیکه وقتی به ترکیب قومی اردو نظر انداخته شود کاملاً معکوس نظر او به اثبات میرسد. این فقط نمونه از نشرات غیر مسئولانه رسانه های گروهی بیرون مرزی بود.

آزادی حد و حصری دارد و هر کشور با در نظر داشت منافع ملی و ارزشهای فرهنگی و ملی قوانینی را وضع میکند که حدود آزادی های سیاسی، مدنی، اعتقادات، مذهبی، بیان و سایر آزادی های همان جامعه را تعیین میکند و باشندگان را چه تابعیت آنکشور را داشته باشند و چه بدون سند تابعیت باشند، مکلف به رعایت این قوانین می نماید. ملیت های مختلف در ایالات متحده هم با استفاده از همین قوانین و آزادی ها نشرات گوناگون دارند اما این بدان معنی نیست که حدود آن تعیین نباشد. در صورت تخلف از این قوانین مورد پیگرد قانونی قرار میگیرند. در مورد رسانه های گروهی بیشتر قوانین (بدنام ساختن و افترا) صدق میکند. Defamation و Liabile خوشبختانه هنوز کدام رسانه گروهی بیرون مرزی افغانها در ایالات متحده تا جائیکه من معلومات دارم مواجه با کدام اقامه دعوی در کدام محکمه نشده است ولی وجبیه اخلاقی هر رسانه است تا قوانین موضوعه کشوری را که از آنجا نشرات دارد رعایت کرده و بحیث یک وسیله تفاهم و آشتی زمینه نزدیکی ملت غیور و با شهامت افغانستان بحیث یک کتله واحد مرکب از ملیت های برادر و برابر باشد.

پایان